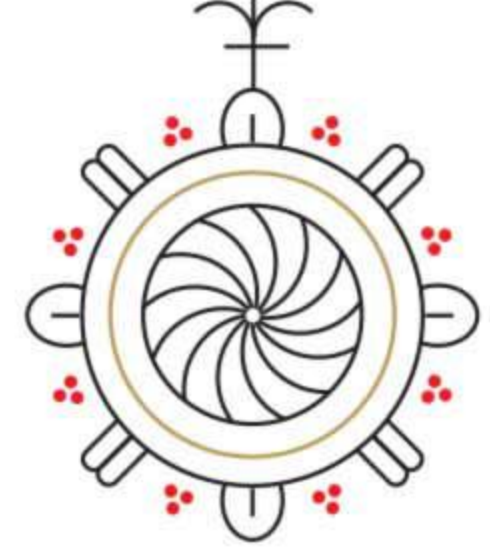




سازمان فرانس
دانشگاہیں کشور



مَدِظَلَا

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۲۲ / سه شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

سُطْر بَیْسْتِ وَدَوْم

وَلِيِّ الٰهِي، قُطْبِ اَصْلِي جَامِعِهِ

جُزْءٌ ٢٢

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا

أَحْزَابٌ، آيَةٌ ٣٣

- ظرفیت و استعدادهایت شکوفا شده؟
- دنبال شکوفایی هستی؟
- راهش را بلدی؟



* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا
 مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لَسْنَا
 كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ اِنْ اَتَقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ
 الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ
 وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ وَاقْمَنَّ الصَّلٰوةَ وَءَاتِينَ
 الزَّكٰوةَ وَاطْعَنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُدْهَبَ
 عَنْكُمُ الرِّجْسُ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَاذْكُرْنَ
 مَا يُتْلٰى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيٰتِ اللّٰهِ وَالْحِكْمَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
 لَطِيْفًا خَبِيْرًا ﴿٣٤﴾ اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ
 وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْقَنِيْنَ وَالْقَنِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقٰتِ
 وَالصّٰدِقٰتِ وَالصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰبِرٰتِ وَالْحٰشِعِيْنَ وَالْحٰشِعٰتِ وَالْمُتَّصِدِقِيْنَ
 وَالْمُتَّصِدِقٰتِ وَالصّٰمِيْنَ وَالصّٰمِيْنَ وَالْحٰفِظِيْنَ وَالْحٰفِظِيْنَ
 فَرُوْجَهُمْ وَالْحٰفِظٰتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا
 وَالذّٰكِرٰتِ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَّاجْرًا عَظِيْمًا ﴿٣٥﴾



مغفلكيم



قرآنت تحقیق



﴿ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ﴾ خداوند اراده کرده است که "فقط" شما اهل بیت را از هرگونه ناپاکی پاک کند. ﴿ وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا ﴾ و به طور کامل، از هر گناه و بدی پاک و پاکیزه کند. [این موضوع صرفاً دربارهٔ اهل بیت است و این پاکان امت، برترین افراد برای ولایت بر امت و مدیریت آن به شمار می‌روند.]





هرکس به خدا چشم گفت، خدا به او چشم داد. اهل بیت چون به خداوند چشم گفتند، خداوند هم به آنان چشم داد، چشم بینا و چشمه داد، چشمهٔ حکمت. و آن چشم و این چشمه، یا بگو آن بینایی و این حکمت، مایه عصمت آنان از عصیان و معصیت شد. خود ما هم هر قدر تشنه باشیم، حاضر نمی‌شویم لب به آب جوی لجن‌آلود بزنیم، چون لجن و تعفن آن را به خوبی حس و احساس می‌کنیم، در حقیقت معرفتی است که مانع است. اهل بیت از آنجا که ارادتی به خداوند نشان دادند به حکم آنکه:

ارادتی بنما تا سعادتی بیبری

خداوند هم سعادت بینایی و آگاهی به آنان کرامت فرمود، و همین امر با وجود تمام اختیاری که داشتند، آنان را از عصیان و معصیت دور داشت؛ چون حقیقت گناه را همچون لجن‌های تهِ جوی احساس می‌کردند. و این تبعیض نیست، این پاداش ارادتی است که از خود نشان داده‌اند و خداوند به وزن و میزان ارادت، سعادت کرامت می‌کند. و این اراده را خداوند در باب یک‌یک ما هم دارد، اما دریغا که ما ارادتی نشان نداده و نمی‌دهیم!

ما کی و کجا فرهاد او بوده، تا او شیرین ما باشد؟





عده‌ای خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن یک آدم به این است که آدم در مجالس اهل بیت گریه کند فقط. خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن به این است که وقتی اسم اهل بیت می‌آید، پشت سرش حتماً "علیهم السلام" را بگوید؛ فقط همین و بس. خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن به این است که محبت اهل بیت در دل انسان باشد، همین و بس. بله، محبت اهل بیت را داشتن، واجب و فرض است. نام این بزرگواران را با عظمت بردن، بسیار جالب و لازم است. به نام این‌ها مجلس به پا کردن و از عزا و شادی آن‌ها درس گرفتن، عزای آن‌ها را گفتن، شادی آن‌ها را گفتن، گریستن بر بزرگواری‌های آن‌ها، بر شهادت‌های آن‌ها، بر مظلومیت‌های آن‌ها، همه این‌ها لازم است؛ اما همه این‌ها ولایت نیست. ولایت از این بالاتر است. آنی که در مجلس سیدالشهدا می‌نشیند و اشک می‌ریزد، کار خوبی می‌کند که اشک می‌ریزد؛ اما کار بدی می‌کند که اشک ریختن را کافی می‌داند برای دارا بودن ولایت.^۱

ولایت در یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هرچه بیشتر و روزافزون‌تر با ولی است. ولی را پیدا کن، ولی خدا را بشناس، آن کسی که او ولی حقیقی جامعه اسلامی است، او را مشخص کن. بعد از آنی که مشخص کردی، شخصاً از لحاظ فکر، از لحاظ عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ راه و رسم و روش، خودت را به او متصل

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۲۵، ص ۷۲۳



کن، مرتبط کن، دنبالش راه بیفت، حرکت بکن. اگر تلاش تو تلاش او، جهاد تو جهاد او، دوستی تو دوستی او، دشمنی تو دشمنی او، جبهه‌بندی‌های تو جبهه‌بندی‌های او باشد، تو دارای ولایتی.^۱

و اما ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه اولاً مشخص باشد؛ بدانند که این است ولی. این یک. ثانیاً منشأ و الهام‌بخش همهٔ نیروها، نشاط‌ها، فعالیت‌های آن جامعه باشد. قطبی باشد که همهٔ جوی‌ها و سرچشمه‌ها از او سرازیر می‌شود. مرکزی باشد که همهٔ فرمان‌ها را او می‌دهد و همهٔ قانون‌ها را او اجرا می‌کند. نقطه‌ای باشد که همهٔ رشته‌ها و نخ‌ها به آنجا برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند. موتور زندگی را او روشن بکند در این جامعه، راننده و پیش‌قراول کاروان زندگی در جامعه او باشد. این جامعه، جامعهٔ دارای ولایت است.^۲

در این جامعه، ولی یعنی حاکم، همان کسی که همهٔ سررشته‌ها به او برمی‌گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی، در راه خدا و دارای ذکر خدا می‌کند. از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانهٔ ثروت به وجود می‌آورد. سعی می‌کند نیکی‌ها را اشاعه بدهد، سعی می‌کند بدی‌ها را محو و ریشه‌سوز کند.^۳



با صدای استاد سیدعلی خامنه‌ای بشنوید...

۱. همان، جلسهٔ ۲۵، ص ۷۲۶.

۲. همان، جلسهٔ ۲۵، ص ۷۲۸.

۳. همان، جلسهٔ ۲۵، ص ۷۳۳.